

# همیشه یکی فردا



عکس همشهری امیر رضایی

# بدون کتاب هرگز به مسافرت نمی روم

با امیر حاج رضایی، کارشناس فوتبال که مخاطب جدی کتاب و ادبیات است

**فوشاد شیرزادی**  
گفت‌وگو  
روزنامه‌نگار

فوتبال ایران بازی می‌گردد، مدت‌هاست درباره فوتبال ایران و جهان با هیج رسانه‌ای صحبت نمی‌کنند. حاج رضایی، این کارشناس، مفسر و منتقد فوتبال مانند زنده‌یاد حمیدرضا صدر و حمید علیدوستی در ست به مثابه یک مخاطب حرفه‌ای، ادبیات، فلسفه و روانشناسی را دنبال می‌کند. در روزهای جام ملت‌های آسیا، گپ‌زدن با حاج رضایی لذتبخش است. از هر کجا که صحبت کنیم، حرف‌های گرم و گیرا برای گفتن دارد. از او رها ن پاموک، نویسنده کشور همسایه‌مان ترکیه و برنده نوبل ادبیات گرفته تا بالزاک، دیکنز، سارتر، سیمون دو بووار، تولستوی، داستایوفسکی، کافکا و کامو که البته از سخنانش چنین برمی‌آید که علاقه خاصی به آخری یعنی آلبر کامو دارد. گرچه حاج رضایی این روزها درباره فوتبال با کسی صحبت نمی‌کند اما دلیل نمی‌شود که سخنان او را در حوزه‌های دیگر که صاحب اندیشه و نظر است، نشنویم. با این بازیکن و مربی سابق فوتبال، مفسر، کارشناس و منتقد درباره کتاب، ادبیات، فلسفه و روانشناسی گفت‌وگو کردیم تا تقبی به دانش او بزنیم که در جهان فکری او چیزی از علم فوتبال کم ندارد. با ما همراه باشید.

**گویا دغدغه اصلی شما کتاب و ادبیات است؟ در دنیای بی‌انتهای کتاب به دنبال چه می‌گردید؟**

از نوجوانی به کتاب علاقه‌مند بودم. گاهی اوقات به خیابان انقلاب فعلی می‌رفتم و در بورس کتابفروشی‌های آن راسته قدم می‌زدم و کتاب‌های مسورد علاقه‌ام را پیدا می‌کردم، می‌خریدم و می‌خواندم. هر بار به اندازه وسع خود سعی می‌کردم کتاب مورد علاقه‌ام را بخرم. این سبک برای همچنان ادامه دارد. اما با گذر زمان این رسم در برین در من شدت یافته. به مرور زمان به نوعی به کتابخوانی اعتیاد پیدا کردم.

**وابستگی امروز شما به مطالعه چه شکل و شمایللی دارد و از چه جنسی است؟**

این‌گونه برایتان بگویم که اگر بخواهم یکی دو روز هم به مسافرت بروم، در کنار وسایل شخصی‌ام قطعا یکی دو جلد کتاب هم باید همراه داشته باشم. طبعاً در کنار کتاب‌ها دفترچه یادداشتی هم دارم.

**در این دفترچه یادداشت چه می‌نویسید؟**

معمولاً بخش‌هایی از کتاب‌هایی را که می‌خوانم، استخراج می‌کنم و در دفترچه یادداشت‌م می‌نویسم. بعضی از کتاب‌ها را چندبار می‌خوانم. گاه به یادداشت‌هایم مراجعه می‌کنم و روی آنها مروری دارم. در حال حاضر هم که دوران بازنشستگی‌ام را می‌گذرانم، مطالعه‌ام نسبت به گذشته بیشتر شده و ساعات بیشتری را به کتاب اختصاص می‌دهم. باید اعتراف کنم که مطالعه ساعات قابل توجهی از زندگی این روزهای مرا به خودش اختصاص داده.

**چرا کتاب و فرهنگ این قدر برایتان اهمیت داشته و دارد؟**

کتاب را همیشه دوست داشتم. تا ابتدا موضوع دلی بود و به شکلی غریزی در وجودم نهج گرفت. اما بعدها همین مطالعه برایم به یک نیاز تبدیل شد. البته نمی‌توانم در مورد خود قضاوت کنم و سخن بگویم اما دوستانم بارها گفته‌اند که همین مطالعه جدی، زبانه را سلیس کرده.

قطعا به گسترش دایره واژگانم انجامیده و در بسیاری موارد در متن زندگی می‌توانم از واژگان، جملات، محتوا و مضمون کتاب‌ها بهره ببرم و درس بگیرم.

**به چه قیمتی مطالعه را ادامه می‌دهید؟**
از دوران نوجوانی تا به امروز مطالعه برایم ارزشی محفوظ داشت. همچنین با خواندن کتاب نوعی انرژی در وجودم آزاد می‌شود. مطالعه روحیه مرا بالا می‌برد. طبعاً در دورانی که کار می‌کردم، به قول دوستان ادبیات به دایره واژگان و شیوایی بیانم کمک می‌کرد. تأثیر مطالعه بر حوزه‌ای که به آن علاقه خاصی داشتم، یعنی فوتبال کاملاً مشهود بود. این تأثیر به‌گونه‌ای غیرقابل انکار است.

**اشاره کردید که مطالعه دایره واژگان را وسعت می‌بخشد و بیان را شیواتر و سلیس‌تر می‌کند. اساساً خواندن محتوای ادبیات چه فایده‌ای دارد؟ مثلاً با خواندن فلسفه برای پرسش‌های ذهنی‌مان**

**گاه برای یافتن یک کتاب چندین روز وقت صرف می‌کنم. برخی کتاب‌ها را پس از کلی گشت و گذار پیدا می‌کنم.**

**در مجموع اگر بخواهم در یک کلام بگویم که مطالعه را به شدت دوست دارم و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی‌ام را مانند هر انسان دیگری برطرف می‌کنند، بیراه نگفته‌ام**

**پاسخ‌های قانع‌کننده می‌یابیم. محتوای ادبیات به چه درد می‌خورد؟**
البته باید اعتراف کنم که فقط در حوزه ادبیات مطالعه نمی‌کنم. دایره مطالعاتی من در حوزه روانشناسی هم هست. اخیراً سلسله‌ای از کتاب‌های دکتر «روین د. یالوم» را می‌خوانم که برایم بسیار قابل‌تأمل است. بخشی از مطالعاتم همانطور که اشاره کردید به مطالعه فلسفی اختصاص دارد. به قول سنیماهی‌ها هیچ‌گاه خودم را در یک ژانر خاص محدود نکرده‌ام. از خلال مطالعه کتاب در حوزه‌های مختلف اطلاعات فراوانی کسب می‌کنم.

**عادت شما به مطالعه چه سویه‌های دیگری دارد؟ یعنی تا به حال شده که برایتان در درس هم فراهم کنید؟**

گاه برای یافتن یک کتاب چندین روز وقت صرف می‌کنم. برخی کتاب‌ها را پس از کلی گشت و گذار پیدا می‌کنم. در مجموع اگر در یک کلام بگویم که مطالعه را به شدت دوست دارم و بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی‌ام را مانند هر انسان دیگری برطرف می‌کنند، بیراه نگفته‌ام.

**در جریان هستم و می‌دانم که علاقه خاصی به آثار «آلبر کامو» و «ژان پل سارتر» دار ید. همچنین می‌خواهم بدانم که چقدر از نویسندگان ایرانی شناخت دارید؟ آثار این بزرگواران را چقدر و با چه جزئی‌نگری‌هایی دنبال کرده‌اید؟**

با آثار نویسندگان ایرانی آشنایی نسبتاً خوبی دارم. مثلاً آثار نویسندگانی مانند محمود دولت‌آبادی، زنده‌یادان احمد محمود، هوشنگ گلشیری و دکتر رضا برهنی را سر حوصله و با دقت خوانده‌ام. همچنین علاقه خاصی به آثار خانم سیمین دانشور دارم. آثار نویسندگانی مانند خانم الهام فالاح را هم دنبال کرده‌ام. حتی سعی کرده‌ام که تا به امروز آثار نویسندگان جوان را هم بخوانم.

**در دانشگاه در چه رشته‌ای درس خواندید؟**

در دانشگاه ادبیات فارسی خواندم. من تا مقطع کارشناسی ادبیات را ادامه دادم اما در ادامه، مطالعات دانشجویی راضی‌ام نکرد. بنابراین مطالعه را به شکلی جدی‌تر و حرفه‌ای ادامه دادم.

**به تشویق چه کسلی ادبیات خواندید؟**

زمانی که ما درس می‌خواندیم، وارد دبیرستان می‌شدیم و وقتی سیکل را طی می‌کردیم، دست به انتخاب رشته می‌زدیم. پس از پایان سوم دبیرستان برای ادامه تحصیل در سال چهارم دبیرستان ۳ رشته پیش‌رویمان بود تا ادامه تحصیل دهیم. یکی طبیعی، دیگری ریاضی و دست آخر ادبی. اگر مجموع نمراتمان قابل‌قبول بود به فراخور می‌توانستیم رشته دیگری را انتخاب کنیم. البته آن زمان رشته زیست‌شناسی و تجربی به رشته «طبیعی» موسوم بود. من از همان ابتدا در یافتیم که علاقه چندانی به ریاضیات ندارم. خیلی هم در این درس ضعیف بودم. در علوم طبیعی ۵۰-۵۰ بودم و شک داشتم که طبیعی بخوانم یا ادبیات. در آخر تصمیم گرفتم ادبیات بخوانم.

**کجا درس می‌خواندید؟**
در دبیرستان امیرکبیر در تهران.

**معلم یا مربی خاصی مشوقتان بود؟**

چرا؟! اتفاقاً آنجا معلم شریفی داشتم که به من می‌گفت روحیات، خلق و خو و نحوه درس‌خواندنم با رشته ادبیات سختی بیشتری دارد. در آن دوره، آن معلم با توجه به آشنائیهایی می‌نوشتم و درس‌هایی که پاسخ‌هایشان را با تکیه بر حافظه نیرومندم، از بر می‌کردم، تردید مرا در انتخاب رشته زایل کرد. آن معلم کمک و تشویق کرد که در چهارم دبیرستان و پس از سیکل در رشته ادبیات ادامه تحصیل دهم.

**اشاره کردید که اگر یکی دو روز هم به مسافرت بروید حتماً یکی دو جلد کتاب با خود به همراه خواهید برد. در گذر سالیان، چه کتابی را بیشتر از دیگر کتاب‌ها خوانده‌اید و برایتان بیشتر اهمیت داشته یا به طریقی در متن زندگی شما مؤثر واقع شده است؟**

در مقاطعی نویسندگان مختلف برایم اهمیت خاصی داشته‌اند و در دوره‌های بعدی تغییر ذائقه دادم. البته این بدان معنی نیست که کتاب‌های قبلی را پس‌بنم یا آنها را از یاد ببرم و کنار بنهم. در دوره‌ای سراغ نویسندگان خاصی را گرفتم. مثلاً در دوره‌ای به کتاب‌های نیکوس کازانتزاکیس علاقه‌مند شدم. تقریباً در همان مقطع حدود ۹۰ درصد آثار او را خواندم. بعدها علاقه وافری به نویسندگان آمریکای جنوبی پیدا کردم؛ از گابریل گارسیا مارکز گرفته تا

**اگر بخواهم یکی دو روز هم به مسافرت بروم، در کنار وسایل شخصی‌ام قطعاً یکی دو جلد کتاب هم باید همراه داشته باشم. طبعاً در کنار کتاب‌ها دفترچه یادداشتی هم دارم**



**معرفی کتاب**



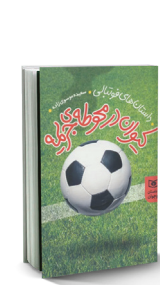
کتاب «دقیقی پنج‌وپنج» نوشته عزت‌الله الوندی، بازروایی فاجعه بمباران زمین فوتبال چوار است. زمین فوتبال چسوار، در بخش چوار استان ایلام در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۵ هنگام مسابقه فوتبال، بمباران شد. بمباران در دقیقه ۵۵ این بازی سود و لحظاتی هولناک و صحنه‌هایی دلخراش به‌اضافه پیکرهای بی‌جان فوتبالیست‌های جوان را برجای گذاشت. در معرفی این کتاب آمده است: فوتبال یکی از پرطرفدارترین ورزش‌هاست، حتی اگر در استان ایلام و در شهر کوچکی مثل چوار باشد. بیست‌وسوم بهمن مسابقه‌ای بین تیم‌های «منتخب چوار» و «منتخب جوانان ایلام» برگزار شد. در اوج روزهای جنگ در شهری کوچک و نزدیک مرز ایران و عراق، هنگام مسابقه فوتبال، هواپیمای عراقی که از دست رادارها گریخته بود، ساعت ۴ و ۴۵ دقیقه به چوار رسید و نتیجه آن فاجعه بود.



کتاب «جام جهانی در جوادیه» به قلم داود امیریان، داستان چند نوجوان در منطقه جوادیه است که اتفاقاتی در بازی فوتبال را پشت سر می‌گذارند. ماجرا از این قرار است که ۲ نوجوان از محله جوادیه به تهران که به‌دنبال جایی برای بازی فوتبال در تابستان می‌گردند، به‌طور اتفاقی با پسر سفیر کانادا در ایران آشنایی شوند. یکی از این نوجوانان به نام سیاوش که به‌زبان انگلیسی آشناست به «الکس» فارسی یاد می‌دهد. الکس که فهمیده سیاوش قرار است یک دوره مسابقه فوتبال در محله برگزار کند، پیشنهاد می‌دهد که فرزندان کارمندان سفارت‌اتانادا نیز به‌عنوان یک تیم در این مسابقات شرکت کنند. کارمندان سفارت‌اتانادا نیز به‌عنوان یک تیم در این مسابقات شرکت کنند. این مسابقات شرکت کنند. پس از موافقت سیاوش، تیمی هم از فرزندان کارکن سفارت‌اتانادا در این مسابقات ثبت‌نام می‌کنند. از طرفی کارگران نوجوان افغانستانی هم که در محله ساکن هستند، یک تیم تشکیل می‌دهند و به مسابقات می‌آیند و به‌این‌ترتیب یک‌جام‌جهانی فوتبال نوجوانان در محله جوادیه برگزار می‌شود.

کتاب «جام جهانی در جوادیه» به قلم داود امیریان، داستان چند نوجوان در منطقه جوادیه است که اتفاقاتی در بازی فوتبال را پشت سر می‌گذارند. ماجرا از این قرار است که ۲ نوجوان از محله جوادیه به تهران که به‌دنبال جایی برای بازی فوتبال در تابستان می‌گردند، به‌طور اتفاقی با پسر سفیر کانادا در ایران آشنایی شوند. یکی از این نوجوانان به نام سیاوش که به‌زبان انگلیسی آشناست به «الکس» فارسی یاد می‌دهد. الکس که فهمیده سیاوش قرار است یک دوره مسابقه فوتبال در محله برگزار کند، پیشنهاد می‌دهد که فرزندان کارمندان سفارت‌اتانادا نیز به‌عنوان یک تیم در این مسابقات شرکت کنند. کارمندان سفارت‌اتانادا نیز به‌عنوان یک تیم در این مسابقات ثبت‌نام می‌کنند. از طرفی کارگران نوجوان افغانستانی هم که در محله ساکن هستند، یک تیم تشکیل می‌دهند و به مسابقات می‌آیند و به‌این‌ترتیب یک‌جام‌جهانی فوتبال نوجوانان در محله جوادیه برگزار می‌شود.

**هیئت‌ها مصادرات هم دارد**
در بخش کارآفرینی نیز این هیئت به سمت تولیدات صنایع‌دستی و کالاهای فرهنگی رفته و در بازارهای مختلف، محصولات خود را به فروش می‌رساند. همچنین در پرورش عسل، دامپروری، جوجه‌کشی و پرورش قارچ، ذرت، خیار، گوجه و تخمه آفتابگردان این هیئت مشغول است و خوشبختانه در تولید و عرضه عسل هم پایش به بازارهای جهانی همچون ترکیه، عراق، فرانسه، آلمان و... باز شده است. به گفته فرج‌الله احمدی، یکی از مشکلات آنها در این بخش نداشتن کارت بازرگانی است که هنوز نتوانسته‌اند آن را دریافت کنند



کتاب «کیوان در محوطه‌ی جریمه» نوشته سعیده موسوی‌زاده جزایری، یک کتاب داستانی است که به بررسی زندگی یک نوجوان فوتبالیست در دوران جنگ ایران و عراق می‌پردازد. نویسنده کتاب، سعیده موسوی‌زاده جزایری، یک نویسنده و معلم است که در زمینه ادبیات داستانی و ادبیات کودک و نوجوان فعالیت می‌کند. او در این کتاب، با استفاده از تخیل و مهارت نویسندگی خود، رخ داد و مرز از حس و حال نوشتن دور کرد. اصرا داشت که فقط بنویسم. می‌توانم بگویم که بخش اعظمی از اینکه تا به امروز وارد عرصه نوشتن کتاب نشده‌ام، مربوط به محتوای واژه «تنبلی» است. اگر این واژه را به‌کار می‌برم، به این دلیل است که صداقت داشته باشم و با خودم و شما رواقایبستی نکنم. دلیل دیگر نوشتن هم اتفاقی بود که در زندگی خودم رخ داد و مرز از حس و حال نوشتن دور کرد. اما هر از گاهی مطالبی درباره مشاهداتم، فیلم‌ها و کتاب‌هایی که می‌بینم و می‌خوانم، می‌نویسم.

کوتاه‌تر  
از گزارش  
علی توایی  
روزنامه‌نگار

**هیئتی که متوقف نمی‌شود**

فعالیت همه‌جانبه یک هیئت از کنکور تا هزینه درمان و فعالیت‌های عمرانی



هیئت رهبویان حسینی خوزستان چندسالی است که به‌طور جدی در حوزه تحصیل دانش‌آموزان به‌ویژه کنکوری‌ها ایستاده و فضای هیئت را برای تحصیل هر چه بهتر آنها فراهم کرده است.

هیئت در گذشته شاید به مثابه مکانی برای عزاداری، آن‌هم تنها در ایام‌های خاصی همچون محرم و صفر به‌شمار می‌رفت. اما خوشبختانه در طول چند سال گذشته و با توجه به بیانات رهبر معظم انقلاب در خصوص نقش هیئت‌ها و کارکردهای آن اتفاقات خوبی در این حوزه رقم خورده است. یکی از هیئت‌هایی که امروز در حوزه‌های مختلف در حال انجام اقدامات کارآمد است، هیئت رهبویان حسینی خوزستان است که تلاش کرده در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت کند که ثمره آن کسب عنوان شایسته تقدیر در رشته «هیئت و اقتصاد» در دومین همپواره هوای نو شد.

**مسجدی ساختیم تا هیئت در آن راه بیندازیم**
این هیئت در چندین بخش‌اعم از کارهای جهادی، عمرانی و درمانی، کارآفرینی، اقتصاد، خانواده قرآنی دانش‌آموزی و محرومیت‌زدایی فعالیت دارد. فرج‌الله احمدی، یکی از گردانندگان هیئت رهبویان حسینی می‌گوید: قبل از آغاز به کار، ابتدا نیازمند مکانی برای تشکیل هیئت بودیم. از آنجا که منطقه ما با کمبود مسجد روبه‌رو بود تصمیم گرفتیم مسجدی را احداث و آنجا امکان هیئت کنیم. به همین منظور با کمک خیرین و استین‌هایی که بچه‌های محله بالا زدند، کار ساخت مسجد را آغاز کردیم و خوشبختانه برای ساخت مسجد هیچ هزینه‌ای اعم از معمار یا کارگر پرداخت‌نشده‌بنای مسجد در ۲ بخش ساخته‌شده یک بخش مربوط به صحن مسجد برای عبادت مردم و دیگری ساختمان ۴طبقه همجوار صحن اصلی مسجد بود که هنوز کامل نشده است و به‌دنبال خیرین برای تکمیل آن هستیم.

**مسجد ما ۲۴ساعته باز است**
این هیئت در ایام امتحانات پایان‌ترم دانش‌آموزان مسجد را به‌صورت ۲۴ساعته باز و کلاس‌های رفع مشکلات را برپا می‌کند و با حضور معلمان زبده سعی در رفع مشکلات دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی دارد.

همچنین در دوران کنکور از استادان برجسته‌ای که به راحتی حسی در کلاس‌های آنها نمی‌توان ثبت نام کرد، بهره‌ر می‌برند و آنها را به مسجد می‌آورند تا به‌صورت ۲۴ساعته دانش‌آموزان بتوانند درس‌های خود را مطالعه کنند و برای کنکور آماده شوند. فرج‌الله احمدی در این خصوص می‌گوید: «ما در خصوص دانش‌آموزان به‌صورت دقیق روی همه اشراف داریم و شرایط تحصیلی آنها را رصد می‌کنیم»

**هیئت‌ها مصادرات هم دارد**
در بخش کارآفرینی نیز این هیئت به سمت تولیدات صنایع‌دستی و کالاهای فرهنگی رفته و در بازارهای مختلف، محصولات خود را به فروش می‌رساند. همچنین در پرورش عسل، دامپروری، جوجه‌کشی و پرورش قارچ، ذرت، خیار، گوجه و تخمه آفتابگردان این هیئت مشغول است و خوشبختانه در تولید و عرضه عسل هم پایش به بازارهای جهانی همچون ترکیه، عراق، فرانسه، آلمان و... باز شده است. به گفته فرج‌الله احمدی، یکی از مشکلات آنها در این بخش نداشتن کارت بازرگانی است که هنوز نتوانسته‌اند آن را دریافت کنند

**پراخت هزینه درمان بیماران بی‌ضاعت**
در حوزه درمان نیز از آنجا که بسیاری از بچه‌های این هیئت بزرگ هستند، بدون دریافت هزینه‌ای، کارهای درمانی‌را انجام می‌دهند. ضمناً هزینه درمان برخی‌از خانواده‌های بی‌ضاعت را هم پرداخت می‌کنند. احمدی می‌گوید: «کار ما در حوزه درمان به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه با برخی مراکز درمانی نیز تفاهم کرده‌و از طریق نامه هیئت‌بخشی از هزینه‌درمان بیماران بی‌ضاعت‌را پرداخت می‌کنیم.»

**۷۰۰خانواده تحت پوشش این هیئت هستند**
در حوزه عمرانی نیز سعی بچه‌های این هیئت بر این است که به‌مناطق محروم بروند و خانواده‌های هدف را رصد کنند، سپس کارهای بازسازی یا ساخت منازل را برای کسانی که شرایط مالی مساعدی ندارند، برعهده می‌گیرند. خوشبختانه تا امروز ساخت‌۵خفحه در کارنامه آنها ثبت شده است. بسیاری از منازلی هم که نیاز به مرمت دارند یا وسایلی ندارند نیز توسط بچه‌های هیئت رهبویان حسینی ساخته و وسایلی آن تأمین می‌شود. در حوزه معیشت نیز این هیئت خانواده‌های کم‌برخوردار را شناسایی و به آنها کمک می‌کند که در حال حاضر ۷۰۰خانواده تحت پوشش این هیئت هستند